چاپ اول

رمضان ۱٤۳٦ هجری قمری

مطابق سرطان ۱۳۹٤ هجری شمسی موافق جولای ۲۰۱۵ عیسوی

تعداد ۲۰۰۰۰ نسخه

جدیدترین PDF کتاب را می توانید از نشانی ذیل اخذ کنید:

www.afghanicc.com/books

یا با نشانی های (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

و یا با شمارهٔ تلفونی ذیل در تماس شوید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

۰۰۴۴۷۸۸۶۷۰۷۹۲۷

و یا با شمارهٔ ذیل در کابل تماس بگیرید.

امیر محمد: **۰۷۰۰۲۴۳۵۰۱**

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفٰى وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى. اَمَّا بَعْدُ

عقاید اسلام منحیث اساس دین اسلام است و فلاح منوط بر درستی عقاید می باشد. اگر کسی عمر خود را در اعمال نیک بگذراند ولی در همه یا در یکی از عقاید خود بر باطل باشد تمامی اعمالش در قیامت به هدر خواهد رفت. از این جهت علمای کرام در مورد اصلاحِ عقاید خدمات بسیار فراوان و بزرگ انجام داده اند.

یکی از این علمای بزرگ، مجدد قرن چهاردهم هجری قمری حضرت حکیم الامت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله می باشد که بیشتر از یک هزار تصنیف و تالیف... از خود برجا گذاشته است. حضرت حکیم الامت ده ها کتاب دربارۀ تصحیح و اصلاح عقاید تالیف فرموده است.

رسالۀ هذا بخش «عقاید» زیورهای بهشتی است که حالا بعد نظر ثانی بر ترجمۀ آن بخاطر استفادۀ عوام مسلمانان به زبان ساده به شکل جداگانه چاپ و نشر می شود.

اما قبل از چاپ، رسالۀ عقاید اسلام بخدمت حضرت مولانا مفتی سعید احمد پالَنپُوری مُدَّظِلُّهُ الْعَالِیْ شیخ الحدیث و صدر المُدرِّسین دار العلوم دیوبند پیش گردید و ایشان از اول تا آخر آن را ملاحظه نموده ترجمۀ آن را تصدیق نموده نشر آن را اجازت دادند. امید که خداوند متعال این خدمت را قبول و مقبول فرماید. آمین.

محمد ابراهیم تیموری

رمضان ۱۴۳۶ هجری قمری

مطابق سرطان ۱۳۹۴ هجری شمسی موافق جولای ۲۰۱۵ عیسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

دربارۀ الله

عقیدۀ ۱

جهان و همۀ مخلوقاتِ در آن قبلاً وجود نداشتند، خداوند آنها را خلق کرد و به وجود آورد.

عقیدۀ ۲

خدا یکیست، محتاج کسی نیست، نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده است و نه همسری دارد و نه کسی برابرِ اوست.

عقیدۀ ۳

او همیشه بوده است و همیشه می باشد.

عقیدۀ ۴

هیچ چیزی مانند او نیست. او بی مثل و بی مثال است.

عقیدۂ ۵

او زنده هست، بر هر چیز قدرت دارد، هیچ چیزی از علم او بیرون نیست، همه چیز را می بیند، همه چیز را می شنود. سخن می گوید لیکن سخن او مانند سخن ما نیست، هر چه می خواهد می کند، کسی مانع او نیست.

تنها او سزاوار عبادت است، شریکی ندارد، بر بندگان خود مهربان است، پادشاه است، از هر عیبی پاک است، تنها او بندگان را از آفات و بلاها نجات می دهد، صاحب عزت اوست، بلندی و برتری از اوست، پیدا کنندۂ هر چیز است، کسی پیدا کنندۂ او نیست.

بخشندۂ گناهان است. بسیار قدرتمند است. بسیار عطا کننده است. روزی رسان است. هرکس را بخواهد روزی اش را کم می سازد و هرکس را بخواهد روزی اش را فراوان می گرداند.

هرکس را بخواهد پست مرتبه می سازد و هرکس را بخواهد بلند رتبه می گرداند. هرکس را بخواهد عزت می بخشد و هرکس را بخواهد ذلیل می گرداند.

صاحب عدل و انصاف است. بسیار صابر و بردبار است. بر خدمت و عبادت ثواب می دهد. دعاهای بندگان را قبول می فرماید. بر هر چیز احاطه دارد. بر همگان حکم

می راند و کسی بر او حکم نمی تواند. هیچکارش خالی از حکمت نیست. کارسازِ همگان است. همه را او پیدا کرده است و در قیامت همه را دوباره زنده می کند. همو می میراند و همو زنده می گرداند.

او را از نشانی ها و صفاتش می شناسند. حقیقت ذاتش را کس نمی‌تواند بداند. توبهٔ گناهکاران را می پذیرد.* هرکسی مستحق سزاست سزایش می دهد. تنها اوست که هدایت می بخشد. هرچه در جهان رخ می دهد به حکم اوست. بی حکم او ذرّه ای نمی جنبد. نه می خوابد و نه پینکی می گیرد، نی از حفظ و نگاهداری جهان خسته می شود. همهٔ اشیاء در قبضهٔ اوست.

تمامی صفات خوب و کمال را داراست و هیچ صفت زشت و ناقصی در او نیست و نه هیچ عیبی در اوست.

عقیدهٔ ۶
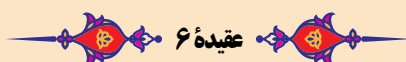
صفات او همیشه بوده است و برای همیشه خواهد بود و هرگز زایل نخواهد شد.

عقیدهٔ ۷

---

* معنای توبه اینست که بعد از ارتکاب گناه، گناهکار شرمنده شود و ارادهٔ ارادهٔ مصمَّم کند که بعد از این هرگز این گناه را نخواهد کرد.

او از صفات مخلوقات[و از جسم و اعضای جسمانی مانند دست و پای و چشم و ساق و امثال آنها و از لازمه‌های صفات مخلوقات مانند خوردن و خوابیدن و بالا رفتن و پائین آمدن و امثال آنها] پاک و مبرّا هست. و آنچه از این گونه صفات که در بعضی جاهای قرآن و حدیث آمده، خداوند پاک را از معنای ظاهری لُغَوی آنها منزّه دانسته معنی حقیقی آنها را به خدا می سپاریم که تنها او حقیقت آنها را می داند و ما بدون چون و چرا و غور و فکر در آنها بر آنها ایمان می آوریم و یقین می نمائیم که هرچه مراد آن است همان حق است.

و در صورت ضرورت، معنای مناسبی برای آنها بیان خواهیم کرد.*

عقیدهٔ ۸

---

* مثلاً در قرآن شریف «**یَدُ الله**» یعنی دست خدا وارد شده و به طور یقینی معلوم است که خدا جسم ندارد تا عضو جسمانی مانند اعضای مخلوقات داشته باشد لیکن معنی حقیقی آن نیز معلوم نمی باشد، پس بهترین روش اعتقاد بر «**یَدُ الله**» اینست که معنای حقیقی آن را به خدا بسپاریم و از خود دربارهٔ آن چیزی نگوئیم.

و اگر ضرورت پیش آمد باید معنی مناسبی برای آن بیان گردد. مثلاً قوت، ولی بازهم نباید اعتقاد نمائیم که یقیناً مراد از ید، قوّت است، زیرا این معنی فقط گمان ماست. پس در این حال باید چنین اعتقاد داشته باشیم که ممکن است مراد از ید قوت باشد و یا ممکن است چیز دیگری باشد.

و اینکار فقط وظیفهٔ علمای بسیار بزرگ می باشد و برای سایر مردم جایز نیست که در این موارد از طرف خود معنائی مقرَّر کنند.

هر کار خوب و بد که در جهان رو می دهد خداوند آنها را قبل از وقوع آنها از همیش و ازل می داند و آنها را مطابق علم خود پیدا می کند.

این را «**تقدیر**» می گویند.[*] اسرار زیادی در پیدایش اشیای بد وجود دارد که هر کس بر آن آگاه نیست.

عقیدهٔ ۹

خداوند به بندگان عقل و اراده داده است که توسط آن به اختیار خود کارِ ثواب یا گناه را انجام می دهند، ولی بندگان را به پیدا کردن فِعلی قدرت نداده است.

خداوند از ارتکاب گناه بندگان ناراض و از انجام دادن کارهای نیک شان راضی می شود.

عقیدهٔ ۱۰

خداوند بندگان را چنان حکمی نداده که از توان ادای آن عاجز باشند.

عقیدهٔ ۱۱

هیچ چیزی بر خداوند واجب نیست، هرچه لطف و احسان کند فضل اوست.

---

[*] پس تقدیر عبارت است از علم الهی نه حکم خدائی.

دربارۀ پیغمبران

عقیدۀ ۱۲

پیغامبران فراوانی از طرف الله ﷻ به خاطر هدایت بندگان آمده اند و تمام آنها از همۀ گناهان پاک می باشند. تعداد آنها را تنها خدا می داند. خداوند به خاطر نمایان ساختن صداقت آنها بر دست آنها چنان امور خارق العاده ای را صادر نمود که سایر مردم از آن عاجز بودند. مثلاً ماهتاب به اشارۀ انگشت حضرت رسول خدا ﷺ دو پارچه شد یا عصای حضرت موسی علیه السلام اژدها می گردید و غیره مُعجِزات سایر پیغمبران عَلَیهِمْ وَعَلیٰ نَبِیِّنَا الصَّلٰوۃُ وَالسَّلامْ. این امور را **«مُعْجِزَه»** می گویند.

اولینِ پیغامبران حضرت آدم علیه السلام بود و آخرین ایشان حضرت محمد رسول الله ﷺ و سایر آنان در بین ایشان آمده اند.

بعضی از ایشان خیلی مشهور می باشند. مثلاً حضرت حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسحاق

عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت اسماعیل عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت یعقوب عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت یوسف عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت داود عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت سلیمان عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت ایوب عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت موسی عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت هارون عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت زکریا عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت یحیی عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت عیسی عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت الیاس عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت الیسع عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت یونس عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت لوط عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت ادریس عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت ذو الکفل عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت صالح عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت هود عَلَیهِ‌السَّلَام، حضرت شعیب عَلَیهِ‌السَّلَام.

عقیدۀ ۱۳

تعداد دقیق پیغامبران را خداوند به کسی نگفته است لذا چنین باید اعتقاد داشته باشیم که هر تعداد پیغمبرانی که از جانب خدا آمده اند ما بر همۀ ایشان ایمان داریم، چه بر آنانی که دربارۀ آنها می دانیم و چه بر آنانی که از ایشان آگاهی نداریم.

عقیدۀ ۱۴

بعضی از پیغامبران دارای مرتبۀ بلندتر از سایر انبیاء هستند. بلندترین مرتبه را پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیهِ‌وَسَلَّمَ دارند.

بعد از حضرت محمد صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ هیچ پیغمبر

دیگری مبعوث نمی شود.۞

عقیدۀ ۱۵

خداوند ﷻ پیغامبر ما حضرت محمد مصطفی صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ را در بیداری و با جسم مبارکش از مکۀ مکرّمه تا بیت المقدس و از آنجا بر هفت آسمان و از آنجا تا هرجائی که می خواست برد و سپس دوباره به مکه برگردانید. این را «**معراج**» می گویند.

دربارۀ فرشتگان و جن

عقیدۀ ۱۶

خداوند نوعی مخلوق را از نور پیدا کرده و آنها را از

۞ نه پیغمبر حقیقی و نه پیغمبر بُروزی (ظِلّی)، و آنحضرت صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَآلِہٖ وَسَلَّمَ تا روزِ قیامت، پیغامبر انس و جن می باشند. و هر کسی بعد از آنحضرت صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَآلِہٖ وَسَلَّمَ ادعای نبوّت کند، او دروغگو و کافر هست. چنانچه میرزا غلام احمد قادیانی که دعوای نبوت بُروزی را کرده است و پیروان او به همین خاطر کافر می باشند. نکاح با قادیانی ها نیز به سبب کفر آنها حرام است. قادیانی ها را احمدیه و جماعت لاهوری نیز می گویند.

دیدهٔ ما پوشانیده است. آنها را «**ملایکه**» یعنی فرشته می گویند. بسیاری امور به آنها سپرده شده است و آنها هرگز هیچگاهی هیچ کاری را خلاف حکم خداوند نمی کنند و در هر کاری که وظیفه داده شده اند مشغول می باشند.

چهار تن از میان ایشان بسیار مشهور اند:

حضرت جبرائیل علیه السلام،

حضرت میکائیل علیه السلام،

حضرت اسرافیل علیه السلام،

حضرت عزرائیل علیه السلام.*

خداوند جل جلاله نوع دیگری از مخلوقات را از آتش خلق کرده است و ما آنها را نیز دیده نمی توانیم. آنها را «**جن**» می گویند. در بین آنها خوب و بد وجود دارد و صاحب اولاد نیز می شوند.

مشهورترین و شریرترین آنها «**ابلیس**» یعنی شیطان است.

---

* جبرائیل علیه السلام اسم فرشته ایست که بر انبیاء وحی می آورد و میکائیل علیه السلام فرشته ای است که منتظم رزق خلایق است. حضرت عزرائیل علیه السلام مامور قبض روح مخلوقات است. او را «**ملک الموت**» نیز می گویند. و حضرت اسرافیل علیه السلام مامور دمیدن در صور است.

دربارهٔ اولیاء الله

عقیدهٔ ۱۷

هنگامی که یک مسلمان بسیار عبادت می کند و از گناهان اجتناب می نماید و با دنیا محبت نمی ورزد و از رسول الله صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار پیروی می کند، او دوست و محبوب خدا می گردد. چنین مسلمان را «**ولی**» می گویند.

بعضی اوقات از چنین شخص، اموری رو می دهد که دیگران توان آن را ندارند. این امور را «**کرامات**» می گویند.

عقیدهٔ ۱۸

به هر اندازه‌ای که «**ولی**» به درجات بلند برسد، بازهم هرگز برابر «**نبی**» یعنی پیغمبر نمی تواند شود.

عقیدهٔ ۱۹

انسان به هر اندازه‌ای که محبوب خدا گردد، بازهم

تا وقتی که هوش و حواسش باقی است پابندی بر شریعت بر او فرض می باشد، و نماز و روزه یا عبادت دیگری از او معاف نمی شود، و آنچه که گناه است برایش جایز نمی گردد.

عقیدهٔ ۲۰

هر کسی خلاف شریعت عمل کند هرگز ولیِّ خدا بوده نمی‌تواند. و اگر کار خارق العاده‌ای از دست او مشاهده شد، اینکار یا جادو است یا عمل نفسانی و شیطانی.* نباید به او اعتقاد کرد. و اینکار خارق العاده‌اش را «**استدراج**» می گویند.

عقیدهٔ ۲۱

بعضی اوقات بر اولیاءُ الله در حالت بیداری یا خواب بعضی اسرار منکشف می‌شود. اینها را «**کشف و الهام**» می گویند. اگر این کشف و الهام موافق شریعت باشد قبول است و اگر مخالف شریعت بود، رد می باشد.

عقیدهٔ ۲۲

خدا و رسولش، تمامی امور دین را در قرآن و حدیث

---

* مراد از نفسانی اینست که با تصرف نَفْس اینکار را کنند و مراد از شیطانی اینست که جن و غیره ای را تابع نموده اینکار را توسط او انجام دهند.

(یعنی شریعت) به بندگان رسانیده اند و اکنون اختراع کردن چیز جدیدی در دین جایز نیست. چنین اختراع جدید را بدعت می گویند و بدعت گناه بسیار بزرگ است.

دربارهٔ کتاب های آسمانی

عقیدهٔ ۲۳

خداوند کتاب‌های کوچک و بزرگ بسیاری را توسط حضرت جبرئیل علیه‌السلام از آسمان بر پیغمبران نازل کرده تا ایشان احکام دین را به اُمت های خویش برسانند.

چهار کتاب از میان آنها خیلی مشهور اند:

«**تورات**» بر حضرت موسی علیه‌السلام نازل شد.

«**زبور**» بر حضرت داود علیه‌السلام نازل گردید.

«**انجیل**» بر حضرت عیسی علیه‌السلام نازل شد.

«**قرآن مجید**» که بر پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نازل شد.

قرآن مجید آخرین کتاب آسمانی است و بعد از آن هیچ کتاب آسمانی دیگری نازل نخواهد شد و احکام قرآن

تا روز قیامت جاری خواهد بود. سایرِ کتابهای آسمانی یعنی تورات و زبور و انجیل... را مردمان گمراه بسیار تغییر و تبدیل و تحریف کرده اند و اصل این کتاب ها حالا موجود نیست لیکن حفظ قرآن مجید را الله ﷻ خود وعده فرموده است و هیچ کسی آن را تغییر داده نمی تواند.

دربارۀ صحابه کرام

عقیدۀ ۲۴

هر مسلمانی که پیغامبر ما حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دیده است، او را «**صحابی**» می گویند.

به شرطی که آن شخص بیننده در حالت اسلام از جهان برود. و هرکسی که در حالت اسلام یک صحابی را ببیند و مسلمان از جهان رفته باشد او را «**تابعی**» می گویند. و کسی که بشرط مذکور تابعی را دیده است او را «**تبع تابعی**» می نامند. احادیث شریف بر فضایل همۀ اینها تاکید فراوان نموده است.

و امام ما امام اعظم ابوحنیفه رَحِمَهُ الله تابعی است، زیرا هفت تا دوازده صحابی را دیده است و جز ایشان، هیچ یک از سایر امامان چهارگانۀ اهل سنت و جماعت، این مقام بزرگ را دارا نیست، و از همین سبب است که وی را امام اعظم می‌گویند، زیرا در مرتبه بزرگتر از همۀ امامان مذکور اهل سنت و جماعت می باشد. وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى ذٰلِكَ.

صحابهٔ کرام مقام و فضایل بزرگی دارند. با همهٔ ایشان باید محبت و گمان نیک بداریم. و اگر حکایت جنگ و جدال میان بعضی ایشان به گوش مان رسید، آن را سهو و خطای اجتهادی بپنداریم و ایشان را هرگز نباید به بدی یاد کنیم.

بزرگترین ایشان چهار تن اند.

اول: حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه. ایشان بعد از پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم جانشین آن حضرت شدند و نظم و نسق امور دین را به دست گرفتند و بنابرین خلیفهٔ اول گفته می شوند و بهترین و افضلترین تمام امت اسلام می باشد.

دوم: حضرت عمر رضی الله عنه که خلیفهٔ دوم است.

سوم: حضرت عثمان رضی الله عنه که خلیفهٔ سوم است.

چهارم: حضرت علی رضی الله عنه که خلیفهٔ چهارم است.

عقیدهٔ ۲۵

صحابهٔ کرام آنقدر مراتب و درجات بزرگی دارند که بزرگترینِ اولیاء به مرتبهٔ کمترین صحابی نیز نمی رسد.

عقیدهٔ ۲۶

اولاده و زنان پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم همگی سزاوار

تعظیم و احترام اند. در اولاد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بزرگ ترین مرتبه را حضرت فاطمه رضی الله عنها دارد. و در بین ازواج رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت عایشه رضی الله عنها بزرگترین مرتبه را دارا هستند.

دربارۀ ایمان

عقیدۀ ۲۷

ایمان آن زمان صحیح است که انسان همۀ چیزهای را که خدا و رسولش گفته اند راست و حق بداند و همه را قبول نماید. شک کردن در یکی از آنچه خدا و رسولش فرموده اند یا دروغ دانستن آن یا عیب گرفتن در آن یا مسخره کردن آن، ایمان را از بین می برد.

عقیدۀ ۲۸

قبول نکردن معنی آشکارا و واضح قرآن و حدیث، و با چون و چرا کردن در آن، از طرف خود معنی دیگری

برای آن ساختن، بی دینی است.

عقیدۂ ۲۹

از حلال دانستن گناه، ایمان از بین می رود.[1]

عقیدۂ ۳۰

گناه هر اندازه که سنگین و بزرگ هم باشد تا وقتی که گناهکار آن را بد می داند ایمانش به سبب آن از بین نمی رود، البته ضعیف می شود.

عقیدۂ ۳۱

ناترس شدن از خداوند یا نا اُمید شدن از رحمت او کفر است.[2]

عقیدۂ ۳۲

از کسی احوال غیب را پرسیدن و یقین کردن برآن

---

[1] اولاً نباید حتی نزدیک گناه رفت لیکن اگر کسی از بدبختی مبتلای گناه شد پس آن گناه را حتماً گناه بداند و بدی آن را از دل بیرون نکند، ورنه باید از ایمان دست بشوید.

[2] یعنی اینکه اگر کسی بپندارد که در آخرت حتماً من درجات بلند می یابم و از من مواخذه ای نمی کنند و یا کسی از نا امیدی چنین یقین کند که در آخرت هرگز به هیچ صورتی بخشیده نمی شوم، اینها اغلاط کفریه است. مسلمان باید در بین امید و ترس باشد.

کفر است.

عقیدهٔ ۳۳
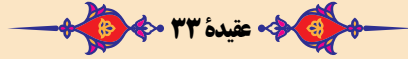
احوال غیب را جز خدا هیچ کسی نمی‌داند. البته بعضی امور غیبی بر انبیاء و پیغمبران توسط وحی، و بر اولیاء توسط کشف و الهام، و بر مردم عام توسط علائم و قرائن منکشف می شود.[1]

عقیدهٔ ۳۴
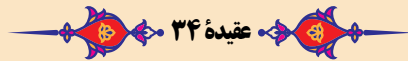
شخصی را نام گرفته کافر خواندن یا لعنت کردن گناه بزرگی است.[2] البته می توان چنین گفت که لعنت بر ظالمان، یا لعنت بر دروغگویان.

اما اشخاصی را که خدا و رسولش نام گرفته لعنت کرده اند یا از کفر آنها خبر داده اند، کافر خواندن و ملعون گفتن آنها گناه نیست.

---

[1] اما اینها را غیب نمی گویند بلکه اینها انباء الغیب (خبر دادن از غیب) است.

[2] لعنت به معنای دوری از رحمت خداوند است. معنای لعنت مذکور در بالا اینست که شخصی این گونه دعا کند که لعنت خدا بر فلانی، یا خدا فلانی را لعنت کند.

دربارهٔ قبر

عقیدهٔ ۳۵

هنگامی که انسان می میرد اگر مدفون شود بعد از دفن، و اگر مدفون نشود در هر حالتی که است، دو فرشته که یکی را «**مُنکِر**» و دومی را «**نَکیر**» می گویند نزد او می آیند و از او می پرسند که خدای تو کیست؟ دین تو چیست؟ و دربارهٔ حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او سوال می کنند که او کیست؟

اگر مُرده با ایمان باشد همه را صحیح جواب می دهد و آنگاه هرگونه وسائل آرامش و راحت برایش فراهم گردیده و از جانب بهشت نیز دریچه ای برایش باز می کنند که باد خنک و هوای خوشبو از آن می آید و این شخص با لذت و راحت آرام می خوابد.

و اگر مُرده با ایمان نباشد در مقابل همهٔ سوالات می گوید نمی دانم، و آنگاه عذاب های شدید و دردناک بر او آغاز شده تا قیامت مبتلای آنها خواهد بود.

بعضی کسان را خداوند از این امتحان معاف می فرماید.

اما تمام این احوال تنها بر خود مُرده خواهد گذشت و فقط مُرده آن را می‌بیند و حس می کند و ما آنها را نه‌می بینیم و نه احساس می‌نمائیم، درست مانند شخص خوابیده که بسا چیزها را مشاهده می کند ولی آدم بیدارِ در پهلویش بر آن آگاه نمی گردد.

عقیدۀ ۳۶

بعد از مُردن، هر صبح و شام به مُرده جایگاهش در بهشت یا دوزخ را نشان می‌دهند. به بهشتی، بهشت را نشان داده بشارت می دهند و به دوزخی، دوزخ را نشان داده بر غم و اندوهش می افزایند.

عقیدۀ ۳۷

از دعا کردن برای مرده و صدقه و خیرات کردن برایش، ثواب به مرده می رسد و مرده نفع زیادی از آن می یابد.❀

❀ به همین صورت از خواندن قرآن شریف و ... بخشیدن ثوابش به او، مرده نفع زیادی می برد.

دربارهٔ علامات قیامت

عقیدهٔ ۳۸

هرچه نشانه ها و علامات قیامت که خدا و رسولش بیان فرموده اند حتماً پیش خواهند آمد. امام مهدی علیه‌السلام ظهور خواهد کرد و با عدل و انصاف حکومت خواهد نمود. دجال کور خروج خواهد کرد* و در جهان فساد زیادی برپا خواهد نمود. آنگاه حضرت عیسی علیه‌السلام جهت قتل او از آسمان فرو خواهد آمد و او را به قتل خواهد رسانید.

سپس یاجوج و ماجوج که قومی قدرتمند اند خروج خواهند کرد و در زمین پراگنده خواهند شد و فساد و تباهی بسیاری برپا خواهند کرد و آنگاه از خشم خدا هلاک خواهند شد. همچنین یک حیوان عجیب از زمین خارج خواهد شد و با انسانها سخن خواهد گفت. آفتاب از سمت مغرب طلوع خواهد کرد. قرآن مجید از روی زمین برداشته خواهد شد و سپس در مدت کوتاهی همهٔ مسلمانان خواهند مرد و جهان

* دجال از یک چشم کور و از قوم یهود است.

از کفار پر خواهد گشت.

برعلاوۀ اینها وقایع بسیار دیگری نیز رخ خواهند داد.

عقیدۀ ۳۹

هنگامی که تمامی علایم قیامت آشکار شد، قیامت آغاز می گردد و حضرت اسرافیل علیه السلام به حکم خدا در صور خواهد دمید. صور شی بسیار بزرگی مانند شاخ است. از دمیدن این صور، سراسر زمین و آسمانها پاره پاره می شوند، تمام مخلوقات می میرند و آنهائی که مرده اند ارواح شان بیهوش می گردد. لیکن آنانی که الله جل جلاله بخواهد حفظ شان کند بر حال خود باقی خواهند ماند.

مدتی بر این حال خواهد گذشت.

دربارۀ قیامت

عقیدۀ ۴۰

سپس زمانی که خداوند اراده نماید که تمام عالَم را

باز پیدا کند، دوباره در صور دمیده خواهد شد و به سبب آن تمامی جهان باز به وجود می آیند. مردگان دوباره زنده می شوند و در میدان قیامت همگی جمع خواهند شد و مصایب و تکالیف آنجا را تحمل نیاورده نزد پیغمبران به خاطر شفاعت خواهند رفت. سرانجام پیغمبر ما حضرت محمد صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شفاعت خواهند فرمود.

آنگاه ترازوی اعمال را برپا خواهند نمود و اعمال خوب و بد را وزن خواهند کرد و مردم حساب خواهند داد. بعضی ها بدون حساب به بهشت خواهند رفت. نامۀ اعمال نیکان به دست راست ایشان و نامۀ اعمال بدان به دست چپ آنان داده خواهد شد.

پیغمبر ما صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمت خویش را از «**حوض کوثر**» آب خواهد نوشانید که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. آنگاه مردم از پل صراط می گذرند. کسانی که نیکوکار اند از آن گذشته به بهشت می رسند و کسانی که بدکار اند از بالای آن به دوزخ می افتند.

دربارۀ جنت و دوزخ

عقیدۀ ۴۱

دوزخ خلق شده است و آتش و مار و گژدم و عذاب های گوناگون آن وجود دارد. از بین دوزخی ها کسانی که حتی اندکی هم ایمان داشته باشند، سر انجام سزای اعمال خود را چشیده به شفاعت پیغمبران و بزرگان دین از دوزخ خارج شده به بهشت خواهند رفت، گرچه گناهکاران بسیار بزرگ نیز باشند. و آنانی که کافر و مشرک اند برای همیشه و ابد در دوزخ خواهند بود و هرگز نخواهند مرد.

عقیدۀ ۴۲

بهشت نیز خلق شده است و آرامش و نِعَمات فراوان و گوناگون در آن موجود است. بهشتی ها هرگز ترسی و غمی نخواهند داشت. آنها در بهشت برای همیشه زندگی خواهند کرد. نه کسی ایشان را از آن بیرون خواهد کرد و نه هرگز خواهند مرد.

دربارهٔ خداوند

عقیدهٔ ۴۳

خداوند صاحب اختیار است که بر گناه صغیره سزا بدهد یا به لطف و کرم خود گناه کبیره را ببخشاید و بر آن سزائی ندهد.

عقیدهٔ ۴۴

خداوند مرتکب گناه کفر و شرک را در آخرت هرگز نمی بخشد، و جز آن هر گناهی را از هر کسی که بخواهد، به فضل و رحمت خود عفو می فرماید.

عقیدهٔ ۴۵

جز کسانی که خدا و رسولش نام گرفته جنتی بودن ایشان را خبر داده اند، به بهشتی بودن کس دیگری بطور حتمی نمی توان حکم کرد. البته با مشاهدهٔ علامات نیک در او گمان نیک داشتن به او و برایش امیدوار بودن به رحمت خدا نیز ضروری می باشد.

عقیدۀ ۴۶

بزرگ ترین نعمت در بهشت که نصیب بهشتی ها خواهد شد دیدار الله متعال است. لذات تمامی نعمت ها در مقابل لذت این دیدار هیچ خواهد بود.

عقیدۀ ۴۷

در حالت بیداری در این دنیا نه کسی خداوند را با این چشم ها دیده است و نه دیده می تواند.

خاتمۀ انسان اعتبار دارد

عقیدۀ ۴۸

انسان در طول زندگی به هر اندازه ای هم که خوب یا بد باشد، مگر در هر حالتی خاتمه اش واقع شود، مطابق همان خاتمه، جزای نیک یا سزای بد خواهد دید.[*]

[*] یعنی اگر با ایمان از دنیا برود، اعمال نیکش اعتبار خواهد داشت و به بهشت خواهد رفت. ولی اگر خدای ناکرده بی ایمان از دنیا برود، اعمال نیکش نیز باطل خواهد شد و جایگاهش هم دوزخ خواهد بود.

عقیدۀ ۴۹

انسان در طول عمر خود هر زمانی که توبه کند یا مسلمان شود، خداوند قبول می فرماید. البته هنگامی که مرگ فرا برسد و فرشتگان عذاب به نظر بیایند، آنوقت نه توبه قبول می شود و نه ایمان.❀

❀ مراد از توبه، توبه کردن از گناهان است و مراد از ایمان، توبه از کفر و شرک و اسلام آوردن است.

درباره مترجم

اسم: محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری

تاریخ ولادت: ۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری

محل ولادت: جوی شیر، کابل، افغانستان

تحصیلات ابتدائی: مکتب قاری عبد الله، کابل

ادامهٔ تحصیلات: کالج دولتی کَرنال، کَرنال، هند (حیات شناسی)

پوهنتون جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)

علوم دینی: دار العلوم دیوبند، دیوبند، هند

مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، هند (تا دورهٔ مشکات)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ حدیث)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ افتاء)

کتب و تراجم: عقائد ما

مختصر عقائد

اسلام چیست

چگونه حج کنید

زیورهای بهشتی (پنج حصص)

گوهرهای بهشتی

عقیدهٔ طحاوی (ترجمهٔ فارسی)

زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)

نماز اهل السنت و الجماعت

اصول التجوید

چرا بیست رکعت تراویح

چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی کنیم

عقائد اسلام

عقائد اهل سنت و جماعت

ترجمهٔ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama’ah

ترجمهٔ عقیدهٔ طحاوی به انگلیسی

The Creed of Imam Tahawi

ارتباط با مترجم:

تلفون:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

۰۰۴۴۷۸۸۶۷۰۷۹۲۷

نشانی ایمیل(Email)

miteymori@gmail.com